

او با بیان این که **من و حاج قاسم الزاما دیدگاه‌هایمان یکسان نبودگفته** ما قصد برجام دو و سه نداشتیم. **برجام دو «برنامه جامع اقتصاد مقاومتی» بود.**

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی عنوان کرد؛



محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در ویژه برنامه سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی با عنوان «مرد میدان» در شبکه سه سیما با بیان این که حاج قاسم واقعا شخصیت برجسته‌ای در افتخار طرف مقابل بود عنوان کرد:

حاج قاسم در صحنه دیپلماتیک هیچ وقت کم نمی‌آورد. دوره‌ای که من در آمریکا سفیر و نماینده دائم بودم و مذاکراتی که حضرت آقا دستور داده و موافقت کرده بودند که من انجام بدهم می‌آدمم تهران از حاج قاسم مشورت می‌گرفتم و می‌رفتم مذاکره می‌کردم. اینقدر مشورت‌های حاج قاسم برای من مفید بود واقعا از کسی دیگر هم مشورت نمی‌گرفتم. فقط از حاج قاسم مشورت می‌گرفتم.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از فارس، وی بیان کرد: آنقدر مشورت‌های حاج قاسم برای من مفید بود که یک دوره از مقام معظم رهبری درخواست کردم که اجازه دهید خود حاج قاسم هم به جلسه بیاید و مطمئن خیلی موفق‌تر هستیم. هر طرح صلحی که پیگیری کردم حتما حاج قاسم مبدع آن بود و هم مشوق بود و هم پیگیری و هم کمک می‌کرد.

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران درباره زمانی که از شهادت شهید سلیمانی خبر دار شده گفت:

من حدود چهار و نیم صبح جمعه که از خواب بیدار شدم دیدم پیامی روی تلفن من از آقای عراقچی است که احتمالا حاج قاسم شهید شده است. واقعا برای من و همسر یک فاجعه بود. چون حاج قاسم در مقاطع مختلف، آن زمانی که مریض بودم و بعضی دلخوری‌ها را داشتم خانه ما آمده بود و همسر رفتارشان را با من دیده بود. واقعا ما هر دو به هم ریختیم. یک ترور واقعا مذبحانه صورت دادند. حاج قاسم همیشه به من می‌گفت من منتظر یک گلوله هستم و فکر می‌کرد این گلوله را در میدان جنگ می‌خورد. هیچ وقت فکر نمی‌کرد آمریکایی‌ها با این وضعیت در نیمه شب یک اتومبیل را بزنند. زدن آن اتومبیل کاری نداشت. یک لندکروز جلو و یک لندکروز عقب است. واقعا نشان دهنده نهایت زبونی و بدبختی ترامپ است که مجبور می‌شود با یک مرد میدان این گونه رفتار کند. **می‌دانستیم وقتی با وقاحت ترور را اعلام می‌کنند حتما برنامه دارند و به همین خاطر اولین هدف همکاران من در وزارت خارجه این شد که ما تبلیغات را به دست بگیریم و حاج قاسم را به عنوان قهرمان مبارزه با تروریسم و قهرمان صلح طلبی معرفی کنیم.** هدف اصلی، جلوگیری از طراحی‌های آمریکایی‌ها و پیگیری حقوقی و سایر اهداف نیز همان روز طراحی و پیگیری شد. مانگونه که خود آمریکایی‌ها نیز اعلام کردند زدن حاج قاسم برای اصلاح بازدارندگی بود. فکر می‌کنم خیلی هم بیراه نگفتند و از حاج قاسم وحشت داشتند. همه این‌ها از حاج قاسم می‌ترسیدند و او را یک نابغه در میدان می‌دانستند. حاج قاسم یک نابغه در میدان صلح نیز بود ولی آن‌ها حاج قاسم را نابغای می‌دانستند که آن‌ها را در میدان در سوریه و یمن شکست داده است و حواسشان نبود که آن نابغه توانسته مردم را بسیج کند.

ظریف عنوان کرد:

حاج قاسم یکی دو بار سر بحث سوریه از من دعوت کرد که مشورت کنیم. با حاج قاسم قبل از وزارت خیلی رفیق بودم.

وقتی وزیر شدم تصمیم گرفتم به اینکه ما نیاز داریم همه کارهایمان را در حوزه منطقه‌ای با هم هماهنگ کنیم. حاج قاسم بر خلاف بعضی حرف‌هایی که دیگران می‌زنند، فرمانده‌ای بود که سرباز رهبر بود در حوزه‌ای که به آن دستور داده بودند. بعضی‌ها به من می‌گویند نظر حاج قاسم راجع به برجام چه بود؟ من می‌گویم نمی‌دانم. چون هیچ وقت با من راجع به برجام صحبت نکرد. ما هر وقت با حاج قاسم می‌نشستیم راجع به منطقه و حوزه‌هایی که مسؤولیت حاج قاسم بود، صحبت می‌کردیم. نمی‌خواهم بگویم حاج قاسم طرفدار برجام بود یا مخالف برجام، نمی‌دانم. ما قصد برجام دو و سه نداشتیم. اتفاقاً برجام دو ما آن چیزی که من گفتم «برنامه جامع اقتصاد مقاومتی» بود. می‌گفتم الان ما باید برویم سراغ برجامی که برنامه جامع اقتصاد مقاومتی است. برای اینکه برای موفقیت برجام نیاز داریم به اینکه طرف مقابل احساس کند ما وابسته به آن‌ها نیستیم. چون هم در این شرایط توان مذاکراتی شما بالا می‌رود و همین طور که مقام معظم رهبری بارها گفتند تحریم را خنثی می‌کنید و اثر بخشی تحریم را کم می‌کنید. ما هیچ وقت با حاج قاسم راجع به چیزی که راجع به یک مذاکره منطقه‌ای باشد، خیلی صحبتی نکردیم.

وزیر امور خارجه ایران درباره دیدارهای هفتگی‌اش با سردار سلیمانی عنوان کرد:

ما ابتدا که این گفتگوها را شروع کردیم صبح‌های یکشنبه همدیگر را می‌دیدیم و بعد من از ایشان خواهش کردم چون سه‌شنبه جلسه‌ای در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه با اساتید دانشگاه داشتم که جلسه را روزهای سه‌شنبه بپندازم که دو روز دفتر مطالعات نروم. جلسه من با اساتید هفت و نیم شروع می‌شد و صبح سه‌شنبه ساعت شش می‌آمد تا پنج شش دقیقه قبل از جلسه بعدی با هم صحبت می‌کردیم. من و حاج قاسم الزاما دیدگاه‌هایمان یکسان نبود. اتفاقاً این امکانی که پیش آمد که بتوانیم با همدیگر گفتگو کنیم، بالاخره در نهایت هر جلسه‌ای به یک توافقی می‌رسیدیم که این کار را می‌خواهیم انجام دهیم. مثلاً به توافق می‌رسیدیم طرح چهار ماده‌ای صلح سوریه یا طرح چهار ماده‌ای صلح یمن را بدهیم. ممکن بود مثلاً در ابتدا ایشان چهار ماده دیگر در ذهنش بود و من چهار ماده دیگر در ذهنم بود و با هم صحبت می‌کردیم تا به یک موضوع مشترک می‌رسیدیم و با هم توافق می‌کردیم. در اکثر موارد آخرش به توافق می‌رسیدیم. اگر به توافق نمی‌رسیدیم بالاخره رهبری بودند، شورای عالی امنیت ملی بود و آنجا می‌توانستیم با هم بحث کنیم و به نتیجه برسیم. این بحث‌ها که فکر می‌کنم جز یک مورد که یک خورده حاج قاسم از دست من عصبانی شد، بقیه اش همه دوستانه بود. دو مورد هم در دبیرخانه بودیم که من دیدم حاج قاسم خیلی عصبانی است و پا شدم رفتم بالای سرش و بوسیدمش و گفتم ما با هم رفیق هستیم، حالا یک بحثی داریم و تمام می‌شود. دوره‌ای بود که شرایط در سوریه خیلی بد بود و من و ایشان دو نظر متفاوت داشتیم که چگونه ادامه دهیم. فقط آن قسمت احساسی‌اش یادم است و موضوع آن یادم نیست. همیشه اینگونه بود و هیچ جلسه‌ای را تمام نمی‌کردیم مگر اینکه واقعا همدیگر را در آغوش می‌کشیدیم و خداحافظی می‌کردیم. عموماً من چون برای حاج قاسم نگران بودم مخصوصاً وقتی می‌خواست سفر برود. حالا اگر قابل بودم قبل از اینکه برود یک فایده خیرحافظا را در گوشش می‌خواندم. هیچ دو نفری یک دیدگاه ندارند. من هم با همکاران خود بحث و بعضی اوقات داد و بیداد می‌کنیم. چون قاعده ما این است که همه چیز را بعد از همفکری اجرا می‌کنیم. اینگونه نیست که بگویم من وزیر خارجه هستم و باید دستور بدهم. نظر می‌دهم همکاران بعضی اوقات با نظر من موافقت یا مخالفت می‌کنند. ما و حاج قاسم در دو حوزه مختلف کار می‌کردیم. وظیفه حاج قاسم میدان بود و برای او موفقیت در میدان مهم بود و وظیفه من چیز دیگری بود. اینکه موفقیت در میدان را با موفقیت در صحنه بین‌المللی یک جور همسو کنی بعضی وقت‌ها نمی‌شود و باید ما با هم کلنجار می‌رفتیم و بحث می‌کردیم. فکر نمی‌کنم هیچ وقت این کلنجار رفتن بحث ما در علاقه تأثیری گذاشت. خانواده من می‌دانستند که من چقدر حاج قاسم را دوست دارم و خانواده حاج قاسم هم می‌دانستند که چقدر ایشان به من لطف دارد.

طریف عنوان کرد:

حاج قاسم یک بار به من گفت من اطلاعاتی دارم و یک سی. دی هم به من داد. ۱۲۰۰ سورتی پرواز آمریکایی‌ها بر فراز عراق که بالای سر داعش انجام داده بودند ولی حمله نکرده بودند و حاج قاسم می‌گفت اگر آمریکایی‌ها می‌خواستند می‌توانستند همان وقت هم ابوبکر البغدادی را بزنند چرا نمی‌زنند؟ در این ۱۲۰۰ سورتی پرواز که انجام دادند فقط یکصد عملیات انجام داده‌اند و آن هم عملیات بی حاصل. ما این‌ها را به آمریکایی‌ها دادیم و حرفی هم نداشتند که بزنند. می‌گفتند ما ترسیدیم تلفات انسانی داشته باشد و از این حرف‌هایی که همه می‌دانیم.

برچسب‌ها: [محمدجواد ظریف](#) [1]

[قاسم سلیمانی](#) [2]